



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب الاطعمة و الاشرية

درس ۱۹

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

با بیان شاخص و معیار در حلیت و حرمت گوشت پرندگان، می‌توان نوع حرام گوشت را از نوع حلال گوشت آن متمایز ساخت. با این حال در حکم برخی از پرندگان از سوی فقها اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه دیده می‌شود. این اختلاف در برخی موارد ناشی از تفاوت نصوص و روایات در مورد آن پرنده است مثل کلاغ، اما تفاوت دیدگاه در حکم برخی از پرندگان، ناشی از اختلاف در وجود ضابطه حرمت و حلیت در آن پرنده است. در این درس به یکی از این نوع پرندگان که در وجود معیار حرمت و حلیت در آن میان فقها اختلاف نظر وجود دارد، خواهیم پرداخت.

بدین ترتیب بحث از حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت به اتمام می‌رسد. بحث بعدی درباره اعضای حرام از حیوان حلال گوشت است، یعنی در صورتی که حیوان حلال گوشت باشد باز نمی‌توان هر عضوی از آن را خورد. بیان اعضای حرام و مستندات آن، بحث بعدی ما خواهد بود. آخرین بحثی که به حلیت و حرمت حیوانات مربوط است، بحث «حرمت عارضی» است، یعنی ممکن است برای حیوان حلال گوشت شرایطی ایجاد شود که بر آن حرمت عارض شود. پس باید به بیان این موارد و ادله آن بپردازیم.

متن درس

٩. و اما الخلاف فى اللقلق فليس لاختلاف النصوص فيه - فانه لانص فيه بالخصوص - بل للاختلاف فى تحقق ضوابط التحريم السابقة فيه و عدمه . و قد قيل بوجود احدى العلامات الثلاث السابقة فيه فيلزم الحكم بحليته . و هذا وجيه اذا لم يثبت ان صفيقه اكثر، اما اذا ثبت ذلك - كما ادعى - فالمناسب الحكم بالحرمة و لاينفع وجود احدى الثلاث السابقة فيه لما تقدم.

٤. ما يحرم من الحيوان المذبوح

اذا ذبح الحيوان الذى يحل اكله لم يجز تناول جملة من الاشياء منه هي : الدم، الخصيتان، القضيب، المثانة، الغدد^١، الطحال، المرارة. و زاد المشهور اشياء اخرى، كالفرج، و المشيمة^٢، و خرزة الدماغ^٣، و النخاع^٤، و العلباء^٥، و حدقة العين^٦، و الفرث. و المستند فى ذلك:

١. اما حرمة السبعة الاولى فهي ما عليه المشهور، بل قد يدعى الاتفاق على حرمة الدم و الخصيتين و القضيب و الطحال. و تدل على ذلك صحيحة ابراهيم بن عبد الحميد عن ابي الحسن (عليه السلام): «حرم من الشاة سبعة أشياء: الدم، و الخصيتان، و القضيب، و المثانة، و الغدد، و الطحال، و المرارة»^٧ و غيرها. بل ان حرمة الدم هي من ضرورات الإسلام. و قد دلّ على ذلك قوله تعالى: حرّمت عليكم الميتة و الدّم...^٨ و غيره مما ورد فى الكتاب الكريم. و مقتضى الاطلاق حرمة الدم بجميع اقسامه بما فى ذلك دم ما لا نفس له كالسمك . اجل ينبغى ان يعفى من ذلك ما كان تابعا للحم من دون ان يكون له وجود عرفى متميز، بل قد يتأمل فى حرمة دم السمك من هذه الناحية.

٢. و اما حرمة البقية فقد دلت عليها روايات^٩ لا تخلو من ضعف سندى. و بناء على تمامية كبرى الانجبار يمكن الافتاء بمضمونها. بل ان المحقق مال الى التحريم فى المثانة و المرارة و المشيمة من جهة كونها من الخبائث.^{١٠}

٥. التحريم الطارئ

١. هي اجسام مدورة تشبه البندق.

٢. و هي موضع الولد.

٣. هي حبة بقدر الحمصة موجودة فى وسط الدماغ.

٤. هو خيط ابيض فى وسط فقار الظهر.

٥. هما عصبان ممتدان على الظهر من الرقبة الى الذنب.

٦. و هي الحبة النازرة منها لا جسم العين كله.

٧. وسائل الشيعية، ج ١٦، ص ٤٣٧، الباب ٣٧ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١.

و السند بطريق الكليني اذا كان قابلا للمناقشة من ناحية عبيد الله الدهقان فهو بنقل البرقي فى محاسنه لا اشكال فيه.

٨. المائدة: ٣.

٩. وسائل الشيعية، ج ١٦، ص ٤٣٧، الباب ٣١ من أبواب الأطعمة المحرمة.

١٠. شرايع الاسلام، ج ٤، ص ٧٥٢، انتشارات استقلال.

قد تعرض الحرمة على الحيوان المحلل بامور نذكر منها:

أ- الجلل، بان يتغذى الحيوان على عذرة الانسان الى حدّ يصدق انها غذاؤه.

و تزول الحرمة بمنعه من التغذى بذلك الى ان يزول عنه اسم الجلل.

ب- وطء الانسان لحيوان، فانه بذلك يحرم لحمه و لبنه و نسله. و قد قيل باختصاص التحريم بذوات الاربع.

ج - الموت، بمعنى زهاق روح الحيوان من دون تذكية، فانه بذلك يحرم بجميع أجزائه الا ما لا تحله الحياة، كاللبن و البيضة اذا اكتست قشرها الاعلى و الانفحة.^١

^١ . الانفحة بكسر الهمزة و فتح الفاء - و قد تكسر - و تشديد الحاء و تخفى فيها: شئ اصفر يستخرج من بطن الجدى الراضع قبل ان يأكل فيعصر في صوت فيغلظ و يستعمل كخمرة للجبين. و يعبر عنه في الفارسية بـ «پنیر مایه».

حکم لک لک

حلیت و حرمت گوشت لک لک، مورد اختلاف فقها واقع شده است. این اختلاف، به اختلاف روایات در مورد لک لک باز نمی گردد، چرا که در مورد لک لک اصلاً روایت خاص نداریم. بلکه منشأ اختلاف، اختلاف در تطبیق علائم تحریم بر این پرنده و عدم آن است، به طوری که بعضی ها، علامت و ضابطه تحریم را در مورد لک لک محقق دانسته و حکم به حرمت آن کرده اند. اما بعضی دیگر با این نظر محافظت کرده اند.

استدلال بر حلیت لک لک

گفته شده که یکی از اعضای سه گانه (سنگدان، چینه دان و خار در پشت پا) در لک لک وجود دارد. این اعضا نشانه حلیت حیوان بودند پس لک لک حلال است.

بررسی استدلال

قبلاً گفتیم که علامت بودن اعضای سه گانه، در طول فقدان علامت دوم (یعنی نحوه پرواز) است. پس این استدلال در صورتی صحیح است که اکثریت صغیف در مورد لک لک ثابت نباشد. اما اگر ثابت باشد لک لک بالهایش را بیشتر صاف نگاه می دارد، حکم به حرمت آن می شود و نوبت به علامت سوم نمی رسد.

تطبیق

و اما الخلاف فی اللقلق فلیس لاختلاف النصوص فیه - فانه لانص فیه بالخصوص - بل للاختلاف فی تحقق ضوابط التحريم السابقة فیه و عدمه.

اختلاف در حلیت و حرمت لک لک از جهت اختلاف نصوص و روایات نیست؛ زیرا در مورد این حیوان روایتی خاص از معصومین نرسیده است بلکه اختلاف از جهت این است که در وجود ضابطه حرمت و حلیت در این پرنده و عدم آن اختلاف شده است.

و قد قیل بوجود احدى العلامات الثلاث السابقة فیه فیلزم الحکم بحلیته. و هذا وجیه اذا لم یثبت ان صغیفه اکثر، اما اذا ثبت ذلک - کما ادعی - فالمناسب الحکم بالحرمة و لا ینفع وجود احدى الثلاث السابقة فیه لما تقدم.

گفته شده که یکی از سه علامت حلیت (یعنی سنگدان، چینه دان و خار پشت پا) در لک لک وجود دارد از این رو باید به حلیت آن حکم کرد. این استدلال نیکو است به شرطی که ثابت نشود که صغیف آن بیش از دفیفش است و گر نه با ثبوت این مطلب که برخی نیز آن را ادعا کرده اند فتوای به حرمت مناسب تر است، زیرا در این صورت هیچ یک از علامات سه گانه سودمند نیست؛ زیرا در مطالب پیشگفته روشن شد که این سه علامت در صورتی است که از کیفیت پرواز پرنده نتوانیم به حلیت و حرمت آن پی ببریم.

مورد اختلاف علما بوده ← به جهت اختلاف در محقق دانستن علائم تحریم در این حیوان
 وجه قول به حلیت ← یکی از علامتهای حلیت پرنده (یعنی سنگدان، چینه دان، خار) در لک لک وجود دارد.
 وجه قول به حرمت ← علائم سه گانه (سنگدان و ...) هنگامی علامت حلیت است که صیف ثابت نباشد اما اگر
 صیف ثابت باشد، پرنده حرام است و نوبت به علائم سه گانه مذکور نمی‌رسد.

Scol: ۴: ۴۳

اجزای حرام در حیوان حلال گوشت

حیوانی که حلال گوشت است، خوردن هر عضوی از آن حلال است مگر بعضی از اعضای آن، که حرام می باشد.
 این اجزای حرام، عبارتند از: خون، بیضه حیوان نر، آلت نری حیوان، مثانه، غده‌ها، طحال و کیسه صفرا.
 مشهور، هفت عضو دیگر را نیز به این هفت مورد اضافه کرده‌اند: فرج، بچه دان، دانه کوچکی که در مغز است و به
 اندازه نخود می باشد، نخاع، پی گردن که در دو طرف تیره پشت است، حدقه چشم (سیاهی چشم که می بیند) و
 سرگین حیوان (در داخل بدن حیوان)

مستند و دلیل

۱. حرمت هفت مورد اول

- حرمت هفت مورد اول، مشهور می‌باشد.
- بلکه بر حرمت چهار مورد از آن ادعای اتفاق شده، که عبارتند از: خون، بیضه‌ها، آلت نری و طحال.
- روایاتی از جمله صحیحہ ابراهیم بن عبدالحمید از امام کاظم (علیه السلام) نیز بر حرمت این هفت جزء دلالت دارد.
- حرمت خون از ضروریات اسلام است و آیه قرآن نیز بر آن دلالت دارد.
- نکته: اطلاق ادله حرمت خون، اقتضا دارد که همه اقسام خون حرام باشد، حتی خون حیوانی که خون جهنده ندارد مثل ماهی.
- امام خونی که در لابه لای گوشت وجود دارد و عرف برای آن وجود مشخص و متمایزی قائل نیست قابل استثنا از خون حرام است. همین نکته باعث شده که حرمت خون ماهی مورد قائل واقع شود. زیرا خون ماهی عرفاً تمایز ندارد.

۲. حرمت هفت مورد دیگر

حرمت هفت مورد بعدی نیز فتوای مشهور است ولی روایاتی که بر آن دلالت دارد، ضعیف السند هستند. پس اگر
 کبرای انجبار ضعف سند به عمل مشهور را بپذیریم می‌توان روایات را حجت دانست و به مضمون آن فتوا داد.
 وجه دیگر در حرمت موارد ذکر شده: مرحوم محقق (ره)، در مورد مثانه، کیسه صفرا و بچه دان از این حیث که
 جزو خبائث هستند مایل به حرمت شده است.

تطبيق

٤. ما يحرم من الحيوان المذبوح

آن چه از حیوان ذبح شده حلال گوشت، حرام است.

إذا ذبح الحيوان الذي يحل اكله لم يجز تناول جملة من الاشياء منه هي:

خوردن برخی از اجزاء حیوانات حلال گوشت پس از ذبح شرعی آنها حرام است، که عبارت است از:

الدم، الخصيتان، القضيب، المثانة، الغدد^١، الطحال، المرارة.

خون، بیضه‌ها، نری حیوان، مثانه، غده‌ها، سپرز و کیسه صفرا.

و زاد المشهور اشياء اخرى، كالفرج، و المشيمة^٢، و خرزة الدماغ^٣، و النخاع^٤، و العلباء^٥، و حدقة العين^٦، و الفرث.

مشهور علاوه بر هفت شیء گذشته هفت شیء دیگر را نیز حرام دانسته اند: فرج، بچه‌دان، دانه کوچک در مغز،

نخاع، پی گردن، حدقه (مردمک، نه کاسه) چشم و سرگین (که در داخل بدن حیوان باقی مانده).

و المستند في ذلك:

مستند مطالب پیشگفته

١. اما حرمة السبعة الاولى

حرمت هفت مورد اول

فهى ما عليه المشهور، بل قد يدعى الاتفاق على حرمة الدم و الخصيتين و القضيب و الطحال.

مشهور به حرمت این هفت چیز از حیوان حلال گوشت نذکیه شده) معتقدند بلکه ادعای اجماع بر حرمت خون و

بیضتین و نری و سپرز حیوان از اشیای هفتگانه شده است.

و تدل على ذلك صحيحة ابراهيم بن عبد الحميد عن ابي الحسن (عليه السلام): «حرم من الشاة سبعة أشياء: الدم، و

الخصيتان، و القضيب، و المثانة، و الغدد، و الطحال، و المرارة»^٧ و غيرها.

صحيحه ابراهيم بن عبد الحميد از امام ابوالحسن موسى بن جعفر (عليهما السلام) بر این مطلب دلالت دارد؛ امام

فرمود: «هفت چیز از گوسفند حرام است: خون، بیضتین، نری حیوان، مثانه، غده‌ها، سپرز و کیسه صفرا». غیر این

روایت احادیث دیگری نیز هست.

١. هي اجسام مدورة تشبه البندق.

٢. و هي موضع الولد.

٣. هي حبة بقدر الحمصة موجودة في وسط الدماغ.

٤. هو خيط ابيض في وسط فتار الظهر.

٥. هما عصبان ممتدان على الظهر من الرقبة الى الذنب.

٦. و هي الحبة النازرة منها لا جسم العين كله.

٧. وسائل الشیعة، ج ١٦، ص ٤٣٧، الباب ٣٧ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١.

و السند بطريق الكليني اذا كان قابلا للمناقشة من ناحية عبید الله الدهقان فهو بنقل البرقي في محاسنه لا اشكال فيه.

بل ان حرمة الدم هي من ضروريات الإسلام. و قد دلّ على ذلك قوله تعالى: حرّمت عليكم الميتة و الدّم...^١ و غيره مما ورد في الكتاب الكريم.

بلکه حرمت خون از ضروریات دین بوده و بر حرمت آن قول خداوند دلالت دارد که فرمود: «بر شما میته و خون و ... حرام شده است.» غیر از این آیه در کتاب خدا آیات دیگری نیز هست.

و مقتضی الاطلاق حرمة الدم بجميع اقسامه بما فی ذلک دم ما لا نفس له کالسمک.

مقتضای اطلاق ادله پیشگفته حرمت انواع خون است چه از حیوانی باشد که خون جهنده داشته باشد (مانند گوسفند که در هنگام ذبح خورش با فشار بیرون می‌جهد) و چه از حیوانی که خون جهنده ندارد. مانند ماهی. اجل ینبغی ان یعفی من ذلک ما کان تابعاً للحم من دون ان یکون له وجود عرفی متمیز، بل قد يتأمل فی حرمة دم السمک من هذه الناحية.

آری سزاوار است که خونی که در لابلای گوشت و در مویرگ ها وجود دارد و عرفاً برای آن، وجود مشخص و متمایز از گوشت نیست از حرمت خون استثنا شود، بلکه به همین جهت می‌توان در حرمت خون ماهی تأمل کرد، زیرا متمایز نیست.

۲. و اما حرمة البقية

حرمت سایر اجزای حیوان (هفت مورد دوم)

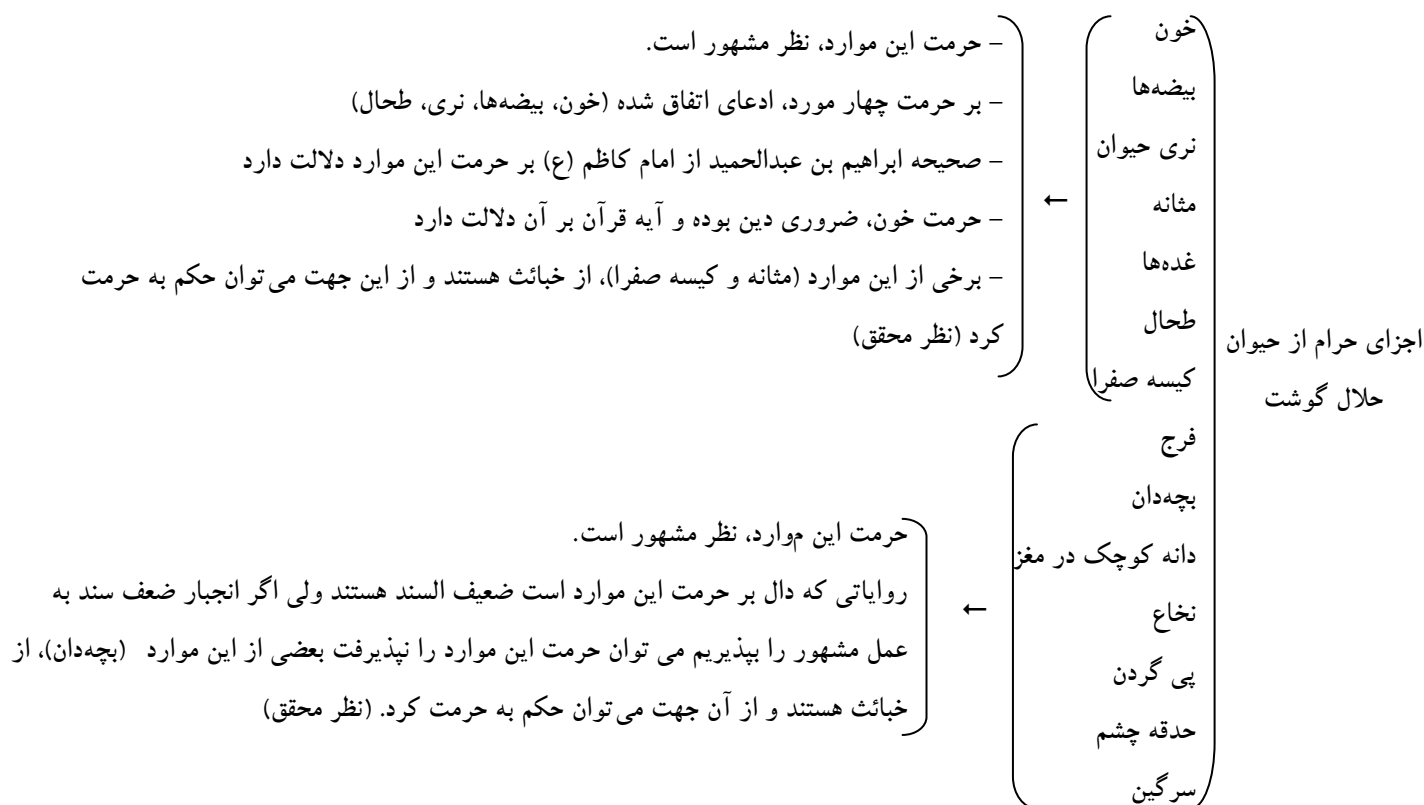
فقد دلت عليها روايات^٢ لا تخلو من ضعف سندی . و بناء على تمامية كبرى الانجبار يمكن الافتاء بمضمونها . بل ان المحقق مال الى التحريم في المثانة والمرارة والمشيمة من جهة كونها من الخبائث.^٣

بر حرمت اشیای هفتگانه (فرج، بچه‌دان، نقطه کوچک در مغز، نخاع، پی گردن، حدقه چشم و سرگین) روایاتی رسیده که از نظر سندی ضعیف است . اگر به قاعده انجبار ضعف سند روایت به سبب فتوای مشهور معتقد باشیم می‌توان به مضمون این روایات فتوا داد. البته مرحوم محقق حلی صاحب شرایع در مورد مثانه و کیسه صفرا و بچه دان مایل به تحریم شده به سبب این که آنها از خبائث هستند.

^١ . المائدة: ٣.

^٢ . وسائل الشیعة، ج ١٦، ص ٤٣٧، الباب ٣١ من أبواب الأطعمة المحرمة.

^٣ . شرایع الاسلام، ج ٤، ص ٧٥٢، انتشارات استقلال.



خون

حرمت خون، از ضروریات دین بوده، آیه قرآن هم بر آن دلالت دارد.

مقتضای اطلاق، حرمت همه اقسام خون است، حتی خون حیوانی که خون جهنده ندارد مثل ماهی.

خونی که تابع گوشت است (وجود متمایز ندارد عرفاً) حرام نیست. از همین جهت در حرمت خون ماهی قائل شده.

Sco۲:۲۱:۱۱

حرمت عارض

آخرین قسمت از کتاب اطعمه و اشربه در مورد حرمت عارض و موارد آن است. در بعضی موارد حیوان حلال گوشت است اما به واسطه چیزی حرام می‌شود. این حرمت در بعضی از موارد ابدی است و در بعضی از موارد قابل زوال است. موارد حرمت عارضی عبارتند از:

الف) جلل

منظور از جلل این است که حیوان با مدفوع انسان تغذیه کند به طوری که در عرف به آن نجاستخوار بگویند. این حیوان حرام است اما اگر از نجاست خوردن آن جلوگیری کنند تا طبیعت او به حلال خوردن برگردد و عرف دیگر به او نجاستخوار اطلاق نکند گوشت آن حلال می‌شود و حرمت عارض از بین می‌رود.

ب) وطی انسان

وطی حیوان حلال گوشت توسط انسان باعث حرمت گوشت و شیر و نسل آن حیوان می شود. حیوان موطوئه الی الابد حرام است و طریقه ای برای پاک شدن و حلال شدن او وجود ندارد . بعضی عقیده دارند این قاعده فقط در حیوانات چهارپا مانند شتر و گاو و گوسفند و الاغ و اسب و قاطر جاری است.

ج) مرگ

حیوان حلال گوشتی که تذکیه نشده بمیرد حرام می شود مگر اعضایی از حیوان که روح در آن حلول نداشته مانند شیر یا تخم در صورتی که پوسته آن شکل گرفته باشد یا پنیر مایه که در بدن حیوان مرده وجود دارد این موارد حلال و پاک می باشند. حرمت ناشی از موت حیوان قابل زوال نیست.

تطبیق

التحریم الطارئ

حرمت عارض بر حیوان حلال گوشت

قد تعرض الحرمة على الحيوان المحلل بامور نذكر منها:

گاهی حرمت بر حیوان حلال گوشت عارض می شود، به سبب اموری که به برخی از آنها اشاره می شود:

أ- الجلل، بان يتغذى الحيوان على عذرة الانسان الى حدّ يصدق انها غذاؤه. و تزول الحرمة بمنعه من التغذى بذلك الى ان يزول عنه اسم الجلل.

جلال شدن حیوان، به این گونه که از عذره انسان تغذیه کند به حدی که در عرف بگویند: نجاست آدمی غذای این حیوان است. با منع کردن حیوان از خوردن نجاست به گونه ای که اسم جلال عرفاً از حیوان زایل شود حرمت نیز برداشته شده و خوردن گوشت آن حلال می گردد.

ب- وطء الانسان لحیوان، فانه بذلك يحرم لحمه و لبنه و نسله. و قد قيل باختصاص التحريم بذوات الاربع.

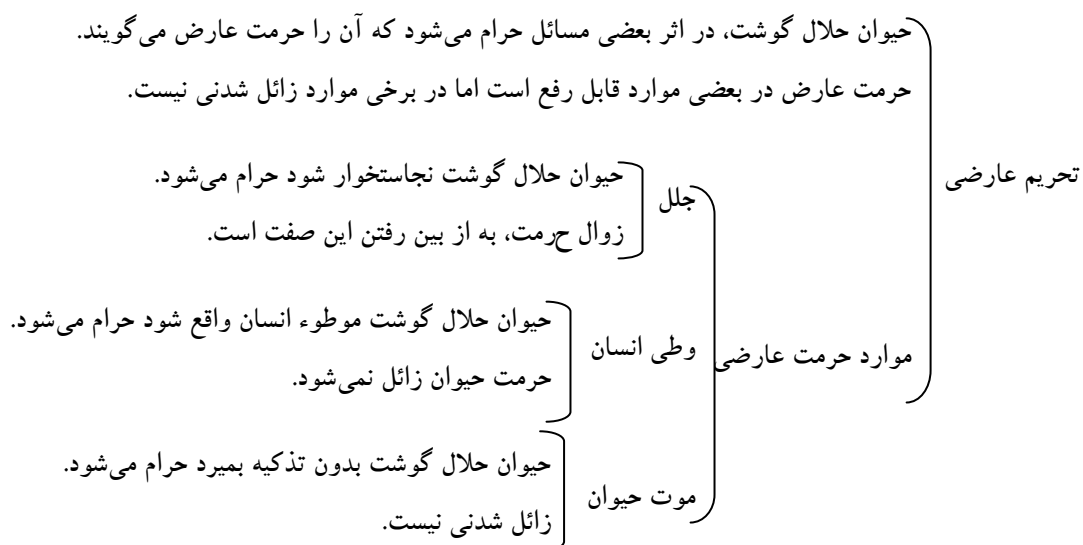
اگر انسانی به حیوان حلال گوشتی تجاوز جنسی کند با وطی او گوشت و شیر این حیوان و ح تی نسل آن حرام می شود. برخی این حرمت را به حیوان حلال گوشت چهارپا اختصاص داده اند (با این فتوا اگر مثلاً با پرندۀ ای وطی کرد، حرمتی حادث نخواهد شد).

ج - الموت، بمعنى زهاق روح الحيوان من دون تذكية، فانه بذلك يحرم بجميع أجزائه الا ما لا تحله الحياة، كاللبن و البيضة اذا اكتست قشرها الاعلى و الانفحة.^۱

مرگ حیوان حلال گوشت، به معنای خارج شدن روح از جسمش بدون اینکه تذکیه شرعی بر آن واقع شده باشد، که سبب حرمت تمام اجزای حیوان می گردد به غیر از اجزایی که در آنها روح دمیده نشده است مانند : شیر، تخم

^۱ . الانفحة بكسر الهمزة و فتح الفاء - و قد تكسر - و تشديد الحاء و تخفيفها : شيء اصفر يستخرج من بطن الجدى الراضع قبل ان يأكل فيعصر في صوت فيغلظ و يستعمل كخمرة للجبن. و يعبر عنه في الفارسية بـ «پنیر مایه».

پرنده به شرط این که پوست بیرونی آن شکل گرفته و آن را پوشانده باشد، و پنیر مایه ای که در شیردان حیوان وجود دارد.



Scor: ۲۹:۴۳

چکیده

۱. اختلاف در حکم لک لک به دلیل اختلاف نصوص نیست؛ زیرا نص خاصی در مورد لک لک وجود ندارد. بلکه به دلیل اختلاف در تحقق ضوابط تحریم و عدم آن در این پرنده است.
۲. بعضی عقیده دارند که به جهت وجود یکی از علائم سه گانه حلیت در لک لک گوشت آن حلال است.
۳. اگر صغیف لک لک بیشتر از بال زدنش باشد وجود علائم ثلاثه در لک لک نفعی ندارد و باید حکم به حرمت آن شود.
۴. خوردن برخی از اجزای حیوان حلال گوشت پس از ذبح شرعی حرام است که طبق نظر مشهور عبارتند از : خون، دو بیضه، نری حیوان، مثانه، غده‌ها، سپرز و کیسه صفرا.
۵. صحیح‌ه ابراهیم بن عبدالحمید از امام موسی کاظم (علیه السلام) بر حرمت این اشیاء هفتگانه دلالت دارد.
۶. مشهور علاوه بر هفت شیء گذشته هفت شیء دیگر را نیز حرام دانسته اند: فرج، بچه‌دان، نقطه کوچک داخل مغز (شبیه نخود)، نخاع، پی گردن، حدقه چشم و سرگین.
۷. حرمت اشیاء هفتگانه دوم در روایت‌هایی آمده که از نظر سندی ضعیف می‌باشند. اگر قاعده جبران ضعف سند به سبب فتوای مشهور پذیرفته شود می‌توان به مضمون این روایات فتوا داد.
۸. بر حرمت خون و بیضیتین و نری و سپرز ادعای اجماع شده است.
۹. حرمت خون از ضروریات دین بوده و قول خداوند نیز بر حرمت آن دلالت دارد.
۱۰. مقتضای اطلاق ادله، حرمت انواع خون است چه خون جهنده باشد مانند خون گوسفند و چه خون غیر جهنده مانند خون ماهی.
۱۱. خونی که در لابه لای گوشت حیوان مانده است سزاوار است از حرمت خون استثنا شود، چون تمایز عرفی ندارد.
۱۲. مرحوم محقق حلی حرمت مثانه و کیسه صفرا و بچه‌دان را مستند به حرمت خبائث کرده است.
۱۳. حرمت عارض به سه دلیل بر حیوان حلال گوشت عارض می‌شود.
۱۴. یکی از اسباب حرمت عارض جلال، یا تغذیه حیوان از نجاست انسان است به حدی که در عرف به آن نجاستخوار گفته شود.
۱۵. حرمت حیوان نجاستخوار با منع آن از تغذیه نجاست زائل می‌شود.
۱۶. تجاوز انسان به حیوان باعث حرمت گوشت، شیر و نسل آن حیوان می‌شود. بعضی‌ها این حرمت را مختص چهارپایان دانسته‌اند.
۱۷. با مرگ بدون تفکیک همه اجزاء حیوان حرام می‌شود، به جز اجزائی که روح در آنها حلول نکرده است مانند شیر، تخم و پنیر مایه.